

به نام خدا

کالبد شکافی جرائم سیاسی و مطبوعاتی

(قسمت اول)

از آنجا که جرائم سیاسی و مطبوعاتی نوعاً با جرائم دیگر تفاوت دارد و دارای آثار و تبعات خاص اجتماعی می باشد لازم است، مقررات و دادرسی خاصی نیز نسبت به این نوع از جرائم وجود داشته باشد به علاوه در اصل يك صد و شصت و هشتم قانون اساسی جرائم مزبور را از جرائم دیگر جدا نموده و شرایط خاصی را ذکر نموده که اجمالاً مورد بررسی قرار می گیرد:

الف - رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی باید علنی باشد توضیح آن که محاکمه جرائم سیاسی و مطبوعاتی تحت هر شرایط خاصی باید علنی برگزار شود و اصل یکصد و شصت و پنجم قانون اساسی به اصل مزبور تسری نمی یابد و مشمول آن نمی شود بنابراین نه تشخیص دادگاه مبنی بر منافی بودن دادرسی علنی با عفت عمومی و یا نظم عمومی می تواند محکمه را از علنی بودن خارج کند و نه طرفین دعوی قادر خواهند بود با تقاضای خود از علنی بودن دادرسی جلوگیری کنند با این توضیح که معمولاً در جرائم سیاسی و گاهاً در جرائم مطبوعاتی یکی از طرفین دعوی، دولت (به معنای عام خود یعنی حاکمیت) می باشد. در نتیجه اگر چه در اصل ۱۶۵ قانون اساسی بر اطلاق علنی بودن کلیه محاکمات استثنائی زده شده است لیکن این اصل (اصل یکصد و شصت و هشتم) از حیطة شمول استثنائات اصل یکصد و شصت و پنجم قانون اساسی هم خارج بوده و شروط اصل مذکور در خصوص علنی بودن دادرسی جرائم مطبوعاتی و سیاسی اعتباری نداشته و فاقد وجاهت قانونی می باشد به این معنی که علنی بودن محاکمات سیاسی استثنای پذیر نیست، قابل ذکر است اصل ۱۶۵ دو شرط منافی عفت عمومی یا تقاضای طرفین دعوی را برای غیر علنی بودن دادگاه لحاظ قرار داده است.

ب - در رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی حضور هیئت منصفه که نماینده افکار و وجدان عمومی جامعه می باشد الزامی است و برگزاری محاکمات مطبوعاتی و بالخصوص محاکمات سیاسی بدون حضور هیئت منصفه فاقد هر گونه ارزش و اعتبار می باشد. قابل ذکر است که نحوه انتخاب شرایط اختیارات هیئت منصفه باید بر طبق قانون مشخص شود از طرفی اصل يك صد و شصت و هشتم قانون اساسی صراحتاً از حضور هیئت منصفه نام برده و هیچ گونه ابهام در آن وجود ندارد چرا که مهمترین رکن پدیده جرم سیاسی، ضرورت وجود هیأت منصفه در محاکمات می باشد.

ج - در اصل مورد بحث صراحتاً قید شده است که جرائم مطبوعاتی و سیاسی باید در محاکم دادگستری مورد رسیدگی قرار بگیرند که تحت امر قوه قضائیه باشند بنابراین رسیدگی به جرائم مذکور در اصل فوق، در محاکم دیگری که تحت امر قوه قضائیه نبوده ممنوع می باشد به عبارت دیگر تشکیل محاکم دیگری تحت امر هر قوه دیگر و به هر شکل دیگر برای رسیدگی به جرائم مندرج در اصل فوق الاشاره خلاف نص صریح قانون اساسی می باشد که این مورد یکی از نکات بارز اصل یکصد و شصت و هشتم قانون اساسی است.

د - این که اساساً چه نوع جرائمی، سیاسی محسوب می شوند و یا جرم سیاسی چیست. باید بر طبق قانون مشخص شود که این امر هم تنها بر عهده قوه قانونگذاری کشور می باشد با توجه به این که در جرم سیاسی بحث اندیشه و فکر و نوع نگرش مطرح می باشد امید است مقننین به این موارد توجه وافی و کاملی داشته باشند به علاوه ایده اساتید و علمای علم حقوق بسیار قابل تأمل و توجه است بنابراین جرم سیاسی يك مقوله خاص، ظریف و بسیار دقیق می باشد که قانونگذاران در تدوین آن باید حقوق افراد را محترم بشمارند لذا نمی توان کسی را بر اساس عقیده ای که دارد و یا بر حسب آنچه خود می اندیشیم به اتهام مجرم سیاسی تحت تعقیب و پیگرد قضایی قرار دهیم که در این صورت با اصل بیست و سوم قانون اساسی که صراحتاً ذکر نموده «هیچ کس را نمی توان بر حسب داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرارداد» در تضاد کامل بوده و خلاف اصل مصرحه قانون اساسی می باشد.

به هر حال نظر به این که اصولاً ارتکاب جرائم سیاسی برای ارتقاء وضعیت سیاسی جامعه تلقی می شود بهترین ملاک برای تشخیص جرائم سیاسی از جرائم عمومی را می توان کیفیت تأثیر جرائم ارتكابی بر افکار عمومی، قرار داد. علیرغم تلاشهای فراوانی که برای معرفی جرائم سیاسی به عمل آمده تا کنون تعریف جامع و مانعی به دست نیامده است. در جرائم سیاسی نوعاً انگیزه و هدف مرتکب منفعت طلبی شخصی نبوده و متکی به بهبود وضع اصلاح جامعه است در این صورت باید مجازات متفاوتی در نظر گرفته شود با این مضمون که برای جرائم سیاسی مجازاتهای ملایمتری در نظر گرفته شود (به عنوان مثال قانون اساسی ۱۸۴۸ فرانسه برای جرم سیاسی مجازات اعدام را حذف نموده است).

لذا از آنجا که قانون رفتار مشابهی نسبت به تمام مجرمین مقرر داشته است برای مجرمین سیاسی تفاوت در رفتارها کاملاً محسوس است. به عنوان مثال می توان از نپوشیدن مرتکبین به لباس مخصوص زندانیان را نام برد. البته نگارنده سطور فوق بر این اعتقاد است که یادداشت مورد نظر تفسیری از قوانین موجود می باشد و علی الاصول عقیده ای بر تحقق جرم به نام «جرم سیاسی» نداشته چرا که جرم سیاسی فاقد هر گونه بار کیفی است و فقط برای جلوگیری از استبداد سیاسی حاکمیت در يك جامعه می باشد.

عطا مرادی
دانشجوی حقوق

ataolah-moradi@yahoo.com

www.atamoradi.persianblog.com